



نقش قرآن و میراث دینی در اشعار استعمارستیز یحیی سماوی

دکتر مهین حاجی زاده^۱

محدثه ابهن^۲

چکیده

یکی از ویژگی‌های بارز و برجسته شعر معاصر عربی، درگیر شدن با موضوعات پیرامونی و واقعیت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی کشورهای عربی و اسلامی است. به عبارت دیگر شاعران معاصر عربی به‌ویژه شعرای نامدار و برجسته ادبیات مقاومت به خوبی توانسته‌اند، تصویرگر واقعی و آئینه تمام نمای جامعه معاصر خود باشند در این میان شعرای عراق به دلیل شرایط خاص حاکم بر عراق و سرزمین‌های عربی و اسلامی به وفور به ادبیات مقاومت پرداخته‌اند. در میان شعرای عراق، یحیی سماوی، یکی از بارزترین شاعرانی است که بعد از اشغال عراق از سوی نیروهای اشغالگر آثاری ارزشمند در زمینه ادبیات مقاومت از خود بر جای گذاشته است. وی به خوبی دریافت که اقدام استعمارگران تنها به اشغال نظامی محدود نمی‌شود و بیش از هر چیزی آنها در صدد محو نشانه‌های اسلام و عربیت هستند، از این رو سماوی با درک این مسأله تلاش می‌کند با متوسل شدن به قرآن کریم و الهام از داستان‌های قرآنی و نیز میراث کهن عراق، ضمن غنا بخشیدن و عمیق گردانیدن مضامین شعری خویش نقش برجسته‌ای در استعمارستیزی ایفا نماید. مقاله حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی در صدد است تا بازتاب قرآن و میراث دینی را در اشعار استعمارستیز یحیی سماوی بررسی کند.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، میراث دینی، استعمارستیزی، شعر معاصر عراق، یحیی سماوی.

۱- دانشیار دانشگاه شهید مدنی آذربایجان. Hajizadeh_tma@yahoo.com

۲- کارشناس ارشد دانشگاه تربیت معلم آذربایجان. mohadese.abhan@yahoo.com

مقدمه

ادبیات و جامعه، رابطه‌ای دو سویه دارند، گاه مسائل اجتماعی دستمایه آفرینش آثار ادبی می‌گردد و گاه آثار ادبی موجب تغییر و دگرگونی جامعه می‌شوند؛ به عبارت دیگر، همان‌گونه که مسائل اجتماعی خمیرمایه آفرینش‌های ادبی می‌گردد، آثار ادبی نیز به نوبه خود در تحولات اجتماعی مؤثر هستند. این رابطه دوسویه در ادب مقاومت، رنگی بیشتر به خود می‌گیرد؛ زیرا پایداری و ایستادگی یک ملت در برابر بیگانگان زمینه پیدایش گونه‌ای از ادبیات را تحت عنوان ادب مقاومت فراهم می‌نماید. از این رو می‌توان ادب مقاومت را گزارش هنری پادارها، ایستادگیها و جانفشانیها دانست. به تعبیر دیگر، آنگاه که تاریخ‌نویسان از ترس از دست دادن نان یا جان خود از بازگویی حقایق باز می‌ایستند، ادبیات و هنر به میدان می‌آیند. از طرف دیگر تاریخ، گزارشگر خشن وقایع است اما ادیب و هنرمند با چاشنی ذوق و هنر، این وقایع را به گونه‌ای هنری ترسیم می‌کنند.

در هر دوره، متناسب با شرایط موجود در جامعه، مضامین جدید شعری را در می‌یابیم که متأثر از شرایط اجتماعی، سیاسی حاکم بر آن جامعه است، از جمله این مضامین شعری، استعمارستیزی است. شاید زمانی که برگی از تاریخ عظیم ملت‌ها را ورق بزنیم، این نکته توجه ما را به خود جلب نماید که در برهه‌هایی از تاریخ، این سرزمین‌ها مورد تاخت و تاز بیگانگان واقع شده و داشته‌هایشان و آبادانی سرزمین‌هایشان به تاراج رفته است. و ادبا برای بازتاب این وقایع، ادبیات را مطلوب یافته تا بازگوی رنج‌ها، دردها و آمال و آرمان‌هایشان باشد؛ چرا که ادبیات سهمی به‌سزا در تهییج احساسات توده مردم و سوق دادن آنها به سمت و سوی استعمارستیزی دارد. از این رو در دوره معاصر، استعمارستیزی جایگاهی گسترده در ادبیات عرب یافته است که نماد پایداری و مضامین معنوی است تا به واسطه آن، شاعران ناقد، عاقبت نمونه‌های تاریخی چنین حکومت‌ها و ملت‌هایی را بیان نمایند، حتی اگر حکومت شرایط را بر شاعر تنگ بگیرد.

بنابراین، می‌توان گفت رابطه دین و شعر رابطه‌ای متقابل است، مخصوصاً هنگامی که برای این دین، کتابی با بنیان‌های عظیم بلاغی و بیانی مثل قرآن کریم وجود داشته باشد. شعر با جایگاه بسیار قوی خود توانسته در مواقع مختلف به دین یاری رساند و ممکن است که اهداف آن را نشر دهد، آن سان که دین توانسته است با موضوعات فخیم خود به شعر یاری رساند و به آن رنگ دینی بخشد. (شراد، ۱۹۸۷: ص ۲۳) تقریباً در تمام نظام‌های عالی فرهنگی، چه هندی، چه اسلامی، چه چینی ژاپنی، و چه یهودی مسیحی، سنت ادبی - هر چند به شکل‌ها و مظاهر بسیار متفاوت - در پیوندی ذاتی با اندیشه، عمل، نهاد و نمادگرایی

دینی پدید آمده است. در حوزه‌های مختلف ادبی می‌توان تأثیر مستقیم باورهای دینی را به وضوح مشاهده کرد. البته این تأثیر گاه منفی و زمانی مثبت بوده است، مثلاً در جهان مسیحیت رمان‌نویسی از رشد بالایی برخوردار بوده است، اما در عالم اسلام می‌توان نقش و تأثیر مفاهیم و اعتقادات دینی را در رشد و بالندگی ادبیات عرفانی، اعم از منظوم و منثور مشاهده کرد. تاریخ ادبیات عرفانی در اسلام گواهی روشن بر این مدعا است. (فعالی، ۱۳۸۰م: ص ۹۳)

قرآن کریم و مسائل مربوط به آن نیز، پیوسته از موضوعات مهمی بوده که نصب‌العین پژوهشگران و محققان قرار گرفته و تأثیر ژرف آموزه‌های این کتاب مقدس از زمان نزول آن تا عصر حاضر بر همگان آشکار است. در این میان جایگاه شاعران به لحاظ دقت نظر ادیبانه و تمسک آنان به بلاغت قرآن کریم، روشن و مبرهن می‌باشد. این تأثیرپذیری تنها به دوران نزول قرآن و ادبیات قدیم عرب محدود نمی‌شود بلکه شاعران معاصر حتی شاعرانی از پیروان سایر ادیان نیز تحت تأثیر مفاهیم بلند و ارزشهای والای قرآنی قرار گرفته‌اند. در میان شاعران معاصر، بدون شک شاعران عراقی به دلیل شرایط خاص حاکم بر عراق و سرزمینهای عربی و اسلامی در حرکت مقاومتی خود در مقابل استعمارگران، بسیار به میراث خود، آموزه‌های دینی و مفاهیم قرآنی متوسل شده‌اند.

آن زمان که پای استعمار به سرزمین عراق باز شد شاعران عراق خود و شعر خود را در خدمت میهن خویش قرار دادند و سعی نمودند با شعر به میدان مبارزه وارد شوند. تعدادی از این شاعران برای ارتباط بهتر با مردم خویش و تبیین ساده‌تر و بیان ملموس مسائل از مفاهیم اخلاقی، قرآن و احادیث در اشعار خویش استفاده نمودند تا خطرات استعمار و استعمارگران را دقیق و عمیق‌تر بیان نمایند کسانی که در ظاهر برای کمک به مردم عراق وارد خاک این سرزمین شده بودند اما در باطن تنها به فکر اهداف و منافع خود بودند. در این میان یکی از شعرای معاصر عراق که به موضوع مقاومت در برابر اشغالگران عراق و لزوم آزادسازی این سرزمین از چنگال بیگانگان پرداخته است، یحیی سماوی می‌باشد. او از میراث کهن عراق به منظور آگاه کردن مردم نسبت به گذشته درخشان و اکنون تاریک عراق، استفاده می‌کند و با اشعار صریح خود به نقد تجاوزگران می‌پردازد و بهای انتقادهای صریح و بی‌مهابای خود را در ترک اجباری از وطنش می‌پردازد. سماوی به طور آشکارا بر اشغالگران آمریکایی می‌تازد. شعر سماوی شعری ساده و صریح و نماینده بارز شعر مبارزان عراق است که قرآن و مضامین آن در چینه تازه‌ای را به روی اشعار او گشوده است. او با تأمل در شخصیت‌های قرآنی، آنها را به صورت نمادین جهت بیان مشکلات امتش به

کار برده و در مفاهیم و معانی والای قرآنی مطالبی را برای راهبردی نمودن هرچه بیشتر مقاومت در برابر استعمارگران یافته است.

در دهه‌های اخیر، تلاش مداوم ادبای این منطقه ستم زده در ابلاغ پیام آزادیخواهی به گوش جهانیان و تأثیر این ادبیات از مضامین قرآنی و الهام‌پذیری ادبای این سرزمین از قرآن کریم در آثار ممتاز آنان تبلوری خاص یافته است؛ لذا بررسی‌های دامنه‌داری بر محور این موضوع (اثرپذیری از قرآن) چه در کشورهای عربی و چه در ایران صورت گرفته است. این مقاله درصدد است تا تأثیر و نقش قرآن و آموزه‌های دینی را در اشعار استعمارستیز یحیی السماوی بررسی کند.

۱- پیشینه استعمارستیزی در ادبیات عربی

استعمار در لغت به معنای «طلب عمران» و «آباد کردن» است و در این معنا معادل اولیه «کولونیزاسیون» است که مقصود از آن، مهاجرت گروهی از یک کشور و تشکیل یک واحد مسکونی جدید در سرزمینهای تازه است. اما معنای دیگر و رایج‌تر آن که امروزه به کار می‌رود، تسلط سیاسی، نظامی اقتصادی یک ملت قدرتمند بر یک سرزمین یا قوم یا ملت ضعیف است. اگرچه تاریخ استعمار مسبوق به قرون قدیم یعنی دوران باستان است، اما تاریخ حقیقی استعمار به مفهوم جدید آن از قرن شانزدهم و هفدهم آغاز می‌شود. پدیده استعمار از بدو پیدایش تا کنون مراحل گوناگونی را طی نموده و در هر مرحله به شیوه‌های متفاوتی به حیات خود ادامه داده است. «استعمار نو» نیز جدیدترین نوع استعمار است که به آن استعمار پنهان نیز اطلاق می‌شود (آشوری، ۱۳۵۸ش: صص ۱۵-۱۹). رقابتهای دول اروپایی در اشغال و غارت آسیا و آفریقای مسلمان و ایجاد و گسترش بازارها برای محصولات خود، جهان اسلام را در قرن نوزدهم صحنه تاخت و تازهای استعماری آنان قرار داد. از اوایل همین قرن با طرح «مسأله شرق» به منظور تعیین تکلیف امپراتوری عثمانی، دول اروپایی بر سر چگونگی تقسیم آن و سهم هر یک به رقابت بایکدیگر پرداختند. از آن پس به دنبال طرح مسأله شرق در اذهان اروپاییان، مبارزه با استعمار نیز در میان امتهای اسلامی شکل گرفت. (موثقی، ۱۳۷۴ش: صص ۹۱)

بنابراین، هجوم گسترده و همه جانبه استعمار غرب به جهان اسلام در قرون نوزدهم و بیستم که هم دارای جنبه‌های فکری و فرهنگی بوده و هم جنبه‌های سیاسی- نظامی و اقتصادی، به شکل‌گیری و پیدایش

واکنش‌های مختلف از جانب طبقات گوناگون جامعه اسلامی، اعم از سیاستمداران، روشنفکران و اهل ادب منجر گردیده و در دراز مدت زمینه را برای شکل‌گیری جریانهای فکری و سیاسی و اجتماعی و اثر بخشی فراهم نموده است.

در میان کشورهای عربی، عراق از جمله سرزمینهایی است که از دیرباز به دلایل گوناگون همچون برخورداری از موقعیت ویژه استراتژیکی و ذخایر عظیم زیرزمینی، همواره مورد توجه مطامع بیگانگان به ویژه دولت استعماری بریتانیا قرار داشته و از این حیث، دچار ضررهای سنگین و جبران‌ناپذیری شده است. دولت بریتانیا از قرن هفدهم میلادی به دلایل فراوانی از جمله قرار داشتن عراق در کرانه‌های خلیج فارس، نزدیک بودن راه آن برای رسیدن به هندوستان و برخورداری از ذخایر سرشار معدنی و کشاورزی به عراق چشم دوخته بود و آرزوی دستیابی به آنجا را در سر می‌پروراند. (قدوره، ۱۹۸۵م: ص ۱۲۹-۱۳۰) به طوری که در این راه متحمل هزینه‌ها و خسارتهای سنگینی شد، چنان‌که شمار تلفات انسانی دولت بریتانیا در جنگ با دولت عثمانی بالغ بر صد هزار نفر شد (فوستر، ۱۹۳۸م: ص ۱۵۶) که سرانجام توانست در سال ۱۹۱۷ وارد بغداد شود. ورود بریتانیا از سال ۱۹۱۷، زمینه مبارزه و صف‌بندی مردم مسلمان عراق در مقابل سیاستهای ظالمانه استعمارگران را فراهم نموده که در این میان نقش شاعران آزاداندیش و متعهد عراقی، چشمگیر و قابل ملاحظه می‌نماید. به طوری که همگام با مردم مظلوم و بی دفاع عراق، قدم در عرصه مبارزات ضد استعماری گذاشته و با سلاح قلم و شعر و احساس، بابتی جدید در استعمارستیزی گشودند. آنان ضمن اعتراض به وجود بیگانگان در کشور خویش که موضوع اصلی و سر منشأ و در صدر موضوعات دیگر است، به ملت در برابر نیرنگ‌بازیه‌ها و مکر و حيله استعمارگران هشدار داده، آنان را از فریب خوردگی بر حذر داشتند. همچنین توطئه‌های بیگانگان را که در قالب عقد پیمانها و انتخابات صوری و پارلمانهای فرمایشی شکل می‌گرفت، با محکوم کردن آن، خنثی کردند.

نکته قابل توجه در خصوص مبارزات ضد استعماری شاعران عراق، توسل به میراث و به‌ویژه قرآن و مفاهیم قرآنی در جهت آگاهی بخشیدن به توده‌ها و نیز پرده برداشتن از چهره‌ی قبیح استعمار بوده است.

۲- زندگی نامه و آثار شاعر

یحیی عباس عبود السماوی در سال ۱۹۴۹ در سماوه عراق به دنیا آمد، وی پس از پشت سر نهادن دوران متوسطه، از دانشگاه «المستصریه» بغداد، در رشته ادبیات عربی در مقطع لیسانس فارغ‌التحصیل شد.

در عراق و عربستان سعودی به تدریس و روزنامه‌نگاری مشغول بوده و سپس در سال ۱۹۷۹ بر اثر ظلم و استبداد نظام دیکتاتوری صدام حسین، عراق را به امید بازگشت به آن ترک کرد و راهی استرالیا شد و اکنون نیز مقیم آنجاست. (بدوی، ۲۰۱۰م:ص ۱۱) سماوی که چندین مجموعه شعر منتشر کرده، تاکنون برنده چند جایزه در جشنواره‌های ادبی شده است که از آن جمله می‌توان به جایزه «دارالمنهل» اشاره کرد. این شاعر عراقی جایزه شعر عرب را نیز در سال ۱۹۹۲ برای سرودن دیوان «قلبی علی وطن» دریافت کرد. «دیوان نقوش علی جذع نخله» نیز یکی از دیوانهای شعری وی است که در مراسمی در روز سه شنبه ۲۰۰۸، با نام «معجم الباطین للشعراء العربیة فی القرنین التاسع عشر و العشرین» که در کویت برگزار شد، جایزه برترین دیوان شعری را از آن خود کرد. (القرنی، ۲۰۰۸م:ص ۳۰) سماوی ۱۴ دیوان بزرگ دارد که غالب قصائد آن به شکل عمودی ولی به لحاظ زبان و ساختار جدید و تعداد کمی از آنها به شکل تفعلیه‌های قدیم هستند. از آثار و دفترهای شعری وی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: عیناک دنیا - قصائد فی زمن السبی و البکا - قلبی علی وطنی - من أغانی المشرّد - جرح باتساع الوطن - رباعیات - الاختیار - عیناک لی وطن و منفی - هذه خیمتی فأین الوطن. (معجم الباطین، ۲۰۰۲م: ص ۶۷۵-۶۷۶)

سماوی بعد از اشغال عراق نیز اعتراضات شدید خود را علیه اشغالگران و سیاست‌مداران ادامه داد و معتقد است که اشغالگران از صدام حسین، حاکم مستبد، بی رحم‌تر بوده و در جای جای دیوانهای خود، نظام صدام حسین را بدترین نظامها و اشغالگران را بدتر از آنها می‌داند و به مبارزه و دعوت مردم به قیام علیه آنان و بیرون راندنشان، می‌پردازد (ارناؤوط، ۲۰۰۷م). او اشعاری متعدد پیرامون مقاومت در کشورهای اسلامی به‌ویژه کشور اشغال شده و ستم دیده خود در موضوعاتی مانند دعوت به مقاومت، عشق به وطن، اشغالگران عراق، امید و ناامیدی در قالب اشعاری موسیقایی و بدیع سروده است.

چند سالی به عنوان سردبیر بخش سیاسی رادیو صدای ملت عراق فعالیت داشت. شعرهای او علاوه بر چاپ در بسیاری از روزنامه‌ها و مجلات ادبی عراقی و عربی و استرالیایی و سنگاپور در بسیاری از دانشگاه‌ها تدریس می‌شود. همچنین شعرهای این شاعر در مجله هنر و ادبیات دانشگاه لویزیانای آمریکا و مجله دانشگاه سیدنی استرالیا به چاپ رسیده است. منتخبی از شعرهای سماوی نیز به زبان‌های انگلیسی، اسپانیایی و فرانسوی، آلمانی و فارسی ترجمه شده است. او عضو اتحادیه ادبای عراق، عضو مؤسسه مجلس فرهنگی عراق، عضو اتحادیه نویسندگان و ادبای عرب و عضو اتحادیه ادبای استرالیا است. (عبد السلام،

(۲۰۰۷م)

آزادی، موضوع اساسی شعر او است. آزادی نغمه‌ای بی‌همتا است که غیر او نمی‌تواند از آن تقلید نماید چرا که فرزند دجله و فرات است. خواننده اشعار سماوی احساس می‌کند که نفسهای او تداعی‌گر متنی، شاعر بزرگ عرب است. سماوی در شأن و منزلت از دو مبدع نابغه از شعرای آزادی و مقاومت جهان، «پل الوار، لوی آراگون» فرانسوی و «ناظم حکمت» شاعر ترکیه چیزی کم ندارد. اسلوب او تضاد است که شاعر غمگین یک چشم بر گذشته درخشان عراق و یک چشم بر حال اندوهبار عراق می‌افکند و این شکل مقایسه بین گذشته دور و بین امروز، در دیوان او شایع است. برای این دو عنصر، رموزی است که به شعر سماوی حالت درام می‌دهد که بر تضاد استوار است و این رموز تاریخی با اسمهایشان یا با صفاتشان در شعر او حضور دارند. او در بعضی از اشعارش از «البیاتی» تقلید کرده و از اسلوب او اقتباس نموده است. (همان)

۳- نقش قرآن و میراث دینی در اشعار استعمارستیز یحیی السماوی

ادبیات به عنوان یکی از اشکال بارز آگاهی اجتماعی نقش مهم و اساسی در بیداری و آگاه ساختن و تحریر ملت‌ها و متبلور ساختن آگاهی در میان جمهور ملت دارد. (العراقی، ۱۹۹۸م: ص ۵) و سماوی کسی است که سعی دارد با تمسک جستن به قوت و وضوحی که در شعر اسلامی است مقاصد خویش را به گونه‌ای پرصلابت و واضح بیان نماید. بنابراین، از آنجا که شاعر متعهد وطن‌پرستی چون او در صدد روشنگری و تبیین معضلات ناشی از حضور اشغالگران در عراق است، قرآن را بن مایه اشعار خویش قرار داده و سعی نموده با الگو قرار دان قرآن و بهره‌گیری از داستانهای قرآنی، ادبیات متعهد را در قالب روان و هدفدار عرضه نماید. بر این اساس، الفاظ خود را چنان از قرآن، برمی‌گزیند تا در عین حال که بیانگر عاطفه و خیال او باشد با مقتضای حال و نیاز جامعه اطراف او نیز هماهنگ و هم‌سو باشد.

سماوی، درون‌مایه بیشتر اشعارش را دعوت به مبارزه، ترسیم چهره بیدادگر، ستایش آزادی و آزادگی، ترسیم آینده، تبیین افقهای روشن پیروزی و برانگیختن روح امید در میان مردم، بیان داستانها و اعلام قرآنی قرار داده است. در اشعار استعمارستیز او ویژگیهای خاصی را می‌توان دید که همه آنها به نوعی انعکاسی از گرایش به کلام خداست. قرآن ابعاد خاصی به مضامین شعری سماوی بخشیده و در آن ویژگیهای خاصی را متمایز ساخته که در این قسمت با اشاره به تعدادی از این ویژگیها و برخی مضامین بر آن هستیم تا نقش قرآن را در این اشعار مشخص‌تر بیان نماییم:

۳-۱ به کار گرفتن زبان طنز و سخریه

زبان طنز به تغزل یا وصف طبیعت نمی‌پردازد بلکه کارکرد طنز در ادبیات، نقد مسائل، چالشها و ابعاد زندگی اجتماعی، سیاس، فرهنگی، اقتصادی در پوششی شوخ طبعانه است که در قالبهای ادبی و زبانی دیگر قابل بیان نیست.

اما طنز به طور خاص، شیوه‌ای از نقد و اعتراض است که طنزپرداز به منظور اصلاح و با زبان هنری و عموماً غیرشخصی، به کمک تیپ‌سازی و با بیانی که حاصل آن ریشخند یا نیشخند است، به خلق اثر ادبی - هنری می‌پردازد (محمدی، ۱۳۸۱ش: صص ۱۷- ۲۰ / اسدی، ۱۳۶۶ش: صص ۵). به هر حال بیشتر تعاریف ارائه شده از طنز نیز ناظر بر نگاه اجتماعی طنز و رسالت اصلاح‌گرایانه یا حتی انقلابی آن بوده‌اند.

از این منظر، طنز در ادبیات مقاومت نیز گونه‌ای از نقد و اعتراض است که وقتی علیه دشمن می‌جنگد، این دگرگونی را خواهان است و با سرزنش بدیها، برای امور بهتر تبلیغ می‌کند تا چیزی را به سود مصالح عمومی تثبیت کند. به همین ترتیب، طنز در شعر مقاومت بی هدف، وهمی و رؤیایی نیست، بلکه شاعر مقاومت می‌خواهد با شلاق طنزش، توجه خواننده را به آنچه در پیرامونش می‌گذرد جلب کند و زشتیهای تسلیم، تزویر، نابرابری و جز آن را در معرض چشم بگذارد و دمام آنها را به رخ مخاطب بکشد تا جایی که وی از این همه کاستی ناتمام به جان آید و به قول دابرولییوف «سرانجام با عزمی راسخ از جای برخیزد و فریاد زند: آخر راستی این چه زندانی است که من در آن گرفتار شده‌ام؟ مرگ از این زندگی بهتر است! دیگر نمی‌خواهم در این بند و زنجیر جان بکنم!» (آرین پور، ۱۳۷۵ش: صص ۲۰، ۲۱) بنابراین آنجا که اسم دگرگونی می‌آید، بحث در مورد نامطلوب بودن وضع موجود است که باید به تغییر و اصلاح آنها برخاست. از نظر فنی و هنری، نیز طنز در شعر مقاومت از زبان ساده و بیان محکم و کوبنده برای اثرگذاری استفاده می‌کند.

از عرصه‌هایی که سماوی با شعر خود در آن با استعمار به ستیز برخاسته است، عرصه طنز است که به خوبی از عهده آن برآمده است، زیرا شاعر از اهداف پشت پرده استعمار آگاه بوده و می‌داند در کشوری که محل جولان بیگانگان است چیزی به اسم آزادی وجود ندارد. بنابراین در بسیاری از مواقع برای بیان آنچه روح لطیف او را به تلاطم داشته از ابزار طنز برای بزرگ‌نمایی درد و رنج جامعه خویش و برای برملا ساختن اهداف پشت پرده، مضامینی را که همسو با زندگی اجتماعی و بستر فرهنگی عصر کنونی عراق است استفاده می‌نماید و با بیانی شیرین، فضای تازه‌ای از اعتراض و انتقاد نسبت به حکومت‌های خائن عرب

و مزدور استعمار یا اشغالگران و متجاوزان صهیونیستی را در معرض دید قرار می‌دهد و انزجار خویش را از متجاوزان بیان می‌دارد. سماوی در تمامی افکارش و نحوه بیان آنها به طور آگاهانه به قرآن و میراث دینی نظر دارد:

«استبدلوا: بکوفیتی خودة.. / بحصانی دبابة.. / بحدیقتی خندقا.. / بنخیلی أعمدة کونکریتية.. / بأساوری قیودا.. / بـ«زهور حسین» «مادونا» / بالقرآن مجلّة ستربتیز... (السماوی، ۲۰۰۹م: ص ۳۲-۳۱)

(چفیه مرا به کلاه خود / اسب مرا به تانک / باغ مرا به خندق / و نخل‌هایم را به ستونهای کنگره / و دست بند مرا به قید / و گل‌های حسین را به مدونا / و قرآن را به مجله استرپ‌تیز مبدل ساختند).

زبان طنز در عین اینکه به نوعی دعوت به مبارزه می‌نماید بسیار خشمگین و مبارزه‌طلب است و در درون خود دارای نگاهی عام و فراگیر است که شک را به دنبال خویش دارد. در حقیقت سماوی با زبان طنز و سخره در پی تغییر نوع نگرش و مطرح ساختن شایدهای تازه‌ای در ذهن مخاطب خویش است. تعویض قرآن با مجله استرپ‌تیز خطاب اعتراض‌آلودی به استعمارگران است که با کنشی مناسب و طنز کوبنده و بیانی تمسخرآمیز قرین شده است.

۲-۳ صراحت و وضوح

یکی از شاخص‌ترین ویژگی‌های سبکی اشعار ضد استعماری این دوره، زبان صریح شاعران است تا جایی که مشاهده می‌گردد، شعرا با وجود حضور در کشور بی‌باکانه و بدون هیچ‌گونه محافظه‌کاری و یا ملاحظات سیاسی و امنیتی و با صراحت هر چه تمام‌تر زبان به مذمت عملکرد دول استعماری گشوده و به افشای مقاصد پلید آنها می‌پردازند. سماوی این ویژگی را شاید بیشتر از بقیه موارد در اشعار خویش به کار بسته است. او در این مجال با کسی مجامله نمی‌کند استعمارگر، استعمارگر است و فرقی در رتبه و مقام ندارد.

«فاخر جوا من وطنی المذبوح شعبا / و بساتین... / و آنها را... / و طین / و اترکونا بسلام آمین / نحن لانستبدل الخنزیر بالذئب / و لا الطاعون بالسل / و موتا بالجذام / فاخر جوا من وطنی...» (السماوی، ۲۰۰۶م: ص ۸-۷)

(خارج شوید از وطنی که مردمان و بستانهایش و گلها و خاکش قربانی شده اند / و ما را در صلح و امنیت رها سازید / ما معاوضه نمی‌کنیم خوک را با گرگ / و نه طاعون را با سل / و نه مرگ را با جذام / پس از وطن من خارج شوید).

شاعر در ابیات خویش آنجا که از اقدامات متجاوز گران به تنگ می آید از فعلهای امر به صورت مکرر استفاده می-کند. این گونه فعلها گواه شدت خشم سماوی است که با رسواسازی استعمار گران و عمال آنها همراه است. شاعر نمی تواند در برابر تجاوزات دم فرو بندد پس در قالب افعال امر وارد عرصه شده و از همان ابتدای کلام تکلیف متجاوز گران را مشخص می سازد که همان خروج از عراق است. در پندار شاعر ترک دیارشان برای آنها مایه امنیت است.

شاعر در ابیات فوق از آیه ۴۶ سوره حجر «ادْخُلُوها بِسَلَامٍ آمِنین» اقتباس کرده است. در حقیقت صراحت لهجه شاعر ناشی از به کاربردن افعال امر اقتباسی از قرآن است که به شعر او جلایی خاص بخشیده و اجازه هر نوع تسامح را نمی دهد.

۳-۳ معنا گرا

ادبیاتی که به مقاومت در برابر دشمن خارجی و استعمارستیزی می پردازد، بیشتر «معنا محور» است و بنیان آثار ادبی آن نیز بر معنا بنا نهاده شده است. بیشتر این آثار از یک بار عاطفی و احساسی بسیار قوی برخوردارند که هدفشان تحت تأثیر قرار دادن مخاطب عام است. نویسنده و یا شاعر متعهد در خلق این آثار بیشتر به کارکرد تاریخی و اجتماعی اثر نظر دارد و هدف آن را پیام رسانی و آگاه سازی مخاطب می داند.

«أخطرُ ما يُهددُ الإنسانَ / عمامه / تکتب فتواها علی طاولة السلطان / تُجیزُ للرعیة الجوع / وللخليفة

التخمة / أو تُفسرُ القرآن / علی مزاج صاحب الایوان». (همان: ص ۱۲۴-۱۲۳)

(خطرناک ترین چیزی که انسان و انسانیت را تهدید می نماید/ عمامه ای است / که فتاوی خود را بر روی میز سلطان می نویسد / برای رعیت، گرسنگی را جایز می شمارد / و برای خلیفه، پر خوری / یا اینکه قرآن را بنا بر خواست و سلیقه صاحبان قدرت، تفسیر می نماید.)

و در جای دیگر می گوید:

«نحن الصعاليك / سیمائونا فی وجوهنا / من أثر تحدیقنا بالافق / أما الأباطره / فسیمائهم فی مؤخراتهم / من أثر التثبیت بالكرسى / معتصمون بحبل الأجنبي / متعاونون علی المنّ و السلوی». (السماوی، ۲۰۰۹م: ص ۱۱۳).

(ما صعالیکی هستیم / که سیمایمان در چهره هایمان است / بر اثر خیره شدن بسیار در افق / اما عیاشان / سیمایشان در پشتشان است / بر اثر نشستن در صندلی / به ریسمان بیگانگان چنگ زده اند / و از شیرۀ

درختان و عسل یاری می‌جویند).

سماوی در پوششی ساده از تمامی دل‌مشغولیهای یک انقلابی سخن به میان آورده است. او نگران از این است که به نام مذهب و اعتقاد سردمداران امور مذهبی فریفته استعمارگران شوند و با آنها هم پیمان شوند چرا که بنابر بیان صریح شاعر خطرناک‌ترین مسأله جامعه کنونی عراق، همراهی پیشوایان امور مذهبی با متجاوزگران است. او عامه مردم را صعالیکی می‌داند که صادق و امانتدار هستند و به روشن‌ها چشم دوخته‌اند، اما عیاشان را کسانی می‌داند که به جای چنگ زدن به ریسمان حب الهی به ریسمان پوسیده متجاوزان چنگ زده اند در حالی که در نیت خواهان برقراری امنیت و آرامش در جامعه خویش می‌باشند. سماوی با نهدی می‌خواهد غافلان را بیدار سازد و هشدار دهد این اشغالگرانی که به دروغ برای برقراری امنیت وارد خاک عراق شده‌اند، متجاوزانی هستند که در پوشش خیرخواهانه اما برای مطامع خویش در عراق سکنی گزیده‌اند.

شاعر در این ابیات از آیه «وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْمَنِّ وَالسَّلْوَى» (بقره/۵۷) اقتباس کرده است. سماوی با متبلور ساختن آیات قرآن توانسته به اشعارش غنا بخشد و موجی از نوآوری در مضمون را در شعرش وارد سازد.

همچنین در دیوان «هذه خیمتی فأین الوطن» می‌گوید:

«رَأَيْتُ نَخْلَةً عَلَى قَارِعَةِ الدَّرْبِ / هَزَزْتُهَا / فَانْهَمَرَ الدَّمْعُ عَلَى هُدْبِي / وَعِنْدَمَا هَزَزْتُ جَذَعَ الْأَرْضِ يَا رَبِّي / تَسَاقَطَ الْعِرَاقُ فِي قَلْبِي!» (السماوی، ۱۹۹۷م: ص ۹).

(نخل را در ورودی در دیدم/تکانش دادم/پس اشک از پلک‌هایم سرازیر شد/خدایا هنگامی که تنه زمین را تکان دادم/عراق در قلبم افتاد).

او در ابیات فوق از آیه: «وَهُزِّي إِلَيْكِ بِجَذَعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رُطْبًا جَنِينًا» (مریم/۲۵) الهام گرفته است. در واقع با بهره‌گیری از این آیه توانسته معنایی جدیدی در کلام خویش باز نماید.

شاعر با تمامی تواناییهای فنی که در اختیار دارد، تلاش می‌کند که این آیه را مطابق دیدگاه شعری خود به کار گیرد و سعی دارد از پرتوافکن‌های کلمه «هزرت» که دلالت بر نیاز به یک معجزه آسمانی برای تغییر اوضاع کنونی عراق است، استفاده نماید. اما لفظ «نخلة» آکنده از الهامات پرخیر و برکت است و نخل کاشته شده در سرزمین عراق، رمز انتفاضه و مقاومت است. شاعر هنگامی که نخل را تکان می‌دهد، از آن میوه بهشتی طلب نمی‌کند بلکه قصد او برپایی و استقرار امنیت در سرزمین عراق است و هنگامی

که آرزویش محقق نمی‌شود اشکهایش جاری شده، عراق در درون قلبش می‌افتد (بلاوی: ۱۳۸۹ش).

۳-۴ تصویر اوضاع عراق

سماوی یکی از متعهدترین شاعران به قضایای وطنش به شمار می‌رود. مخاطب با خواندن شعرهای این شاعر به ویژه مجموعه شعر «گریه‌ها و وجدانها»، میزان عشق او به عراق و عراقیها را درمی‌یابد. و همین عشق و التزام است که وی را متوجه حوادث و اوضاع سیاسی و به‌ویژه اقتصادی حاکم بر عراق می‌سازد. «یا کُلُّ مَنْ جَاؤُوا الی «ولیمه» العراق / من ساسة... ومن مرابین... / وباحثین عَن أسواق / للسلع التي بها تستعبد الأعناق / لتتقوا الله به... / فلیس من مکارم الأخلاق / أكلُ النطیحة علی مائدة النفاق». (سماوی، ۲۰۰۶م: ص ۱۱۰)

(ای تمام کسانی که بر ولیمه عراق وارد گشته‌اید / اعم از دیپلماها و از رباخواران / و جستجوگران بازارهایی / برای کالاهایی که به واسطه آنها گردنهایی به بردگی گرفته می‌شود / تقوای الهی پیشه کنید / زیرا به دور از کرامت اخلاقی است / خوردن گوشت مردار بر سر سفره نفاق)

یحیی سماوی تمامی کسانی که به ولیمه عراق آمده‌اند، اعم از سیاست‌مداران، رباخواران و بازاربانان کالاهایی که انسان را به بردگی می‌کشاند، به تقوای الهی دعوت می‌کند و با اشاره به آیه «حُرِّمَتْ عَلَیْكُمْ الْمِیْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنزیرِ وَمَا أُهْلَ لِغَیْرِ اللَّهِ بِهِ وَالمُنْخَنِقَةُ وَالمَوْقُودَةُ وَالمُتَرَدِّیَةُ وَالنَّطِیْحَةُ» (مائدة/۳)، خوردن گوشت مردار را بر سر سفره نفاق، به دور از مکارم اخلاقی می‌داند.

شاعر در ابیات فوق جهت آگاهی و هوشیاری مردم اوضاع آشفته سیاسی و وضعیت بحرانی اقتصاد عراق را به تصویر کشیده که چگونه استعمارگران ثروتها و ذخایر این کشور را پراکنده می‌سازند و با بخل و نفاق با اموال مردم برخورد می‌کنند.

ابیات زیر تصویر واضح‌تری از وضعیت عراق را نشان می‌دهد:

وطنی الیتیم فلا کفیل له أبة یكون علیه أو أما

سبع مضین و لیس من أمل یُکسی عظام جیاعه لحما

(سماوی، بی تا)

در این بیت، شاعر به آیه «ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (المؤمنون/۱۴) اشاره دارد. مضمون آیه بر اعجاز

الهی در خلقت انسان دلالت می‌کند و شاعر هنرمندانه آن را به کار برده و دلالتی جدید که متناسب با اندیشه و آموزه‌های خود می‌باشد، به آن افزوده است.

سماوی امیدی ندارد که در چنین شرایط دشوار، گرسنگی مردم عراق را پایانی باشد و یا گوستی استخوانهای عراق را پوشش دهد؛ مگر آن که معجزه‌ای از سوی خداوند رخ دهد که او أحسن الخالقین است. بازخوانی این آیه، کلیه ملزومات آیه از جمله اعجاز الهی در خلقت انسان را در ذهن خواننده تداعی می‌کند. و این گونه شاعر در راستای اهداف خویش از متن قرآن برای بیان دلالتی جدید بهره می‌برد و از این طریق به اندیشه خود عمق بخشیده، اندیشه‌ای که محور آن امید و انتظار معجزه از سوی خداوند است تا ملت عراق را از چنگال استعمار رهایی دهد.

۳-۵: اشاره به حوادث و شخصیت‌های تاریخی

از جمله ویژگی‌های برجسته شعر عربی پس از عصر نهضت به کارگیری حوادث و شخصیت‌های تاریخی است که هم در آثار ادیبان مشرق عربی چون احمد شوقی و حافظ ابراهیم و هم در ادبیات مهجر یافت می‌شود. این امر در واقع از ابعاد حضور میراث کهن عربی در ادبیات معاصر و احیای آن است. شاعران مقاومت عراقی نیز گاهی با الهام از حوادث و شخصیت‌های تاریخی، به زبان رمز از واقعه شوم اشغال و ظلم و آوارگی در وطن خود سخن به میان آورده‌اند که برخی از آنها در شعر سماوی به چشم می‌خورد.

تکرار حادثه‌هایی که در زمانهای گذشته رخ داده است، او را بر آن می‌دارد تا با رویکردی نقادانه و تیز و گاه تلخ به موضوع از زاویه‌ای دیگر بنگرد تا ابعاد آن حوادث را بیان نماید و به این طریق بتواند از سویی شفاف‌سازی کرده و از سویی دیگر از تکرار چنین واقعه‌ای جلوگیری کند. اما آنچه باز آن را دست مایه بیان خویش می‌سازد، روایت رویدادهایی از تاریخ است که به پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) او مرتبط است، اهل بیتی که تمام تلاش خویش را برای عملی ساختن دستورات قرآن به کار می‌بردند:

«أعوذُ بالله من الصلاة خلف لحية / تمجد الغزاة / و من رصيف ينبذ الحفاة / أعوذُ بالله من الأئمة التجار / الشاكرين نعمة الدولار / في الليل يبكون «علياً» / ويُبایعون قاتليه في النهار». (السماوی، ۲۰۰۶: ص ۱۵۲-۱۵۱)

(پناه می‌برم به خداوند از نماز گزاردن پشت سر کسانی که / متجاوزان را بزرگ و گرامی می‌دارند / و از پیاده‌روی که پابرهنگان را می‌راند / پناه می‌برم به خداوند از پیشوایان تاجرپیشه / کسانی که شاکر دلار هستند / کسانی که شبان‌گاه بر علی می‌گیرند / و هنگام روز با قاتلان او بیعت می‌کنند).

سماوی در این ابیات گرچه به طور مستقیم از آیات قرآن استفاده نکرده اما همیشه قرآن و سردمداران دین و کسانی که برای گسترش اسلام از جان خویش گذشته‌اند را در آثارش ارج می‌نهد. او می‌خواهد کسانی را که دم از دین می‌زنند اما در عمل به خاطر مطامع دنیوی حاضر هستند دینشان را به وعده‌های دروغین اشغالگران بفروشند، مورد انتقاد قرار دهد. بنابراین، با گذری بر تاریخ صدر اسلام از علی (ع) و طرفدارانش سخن می‌گوید؛ کسانی که به ظاهر با علی (ع) همراه شدند اما در عمل با مخالفان او هم پیمان گشتند.

۴-۶: برانگیختن روح امید

شاعران مقاومت، در ابزار احساسات عمیق نسبت به سرزمین غصب شده خود و دعوت به پایداری و استقامت و نیز در ایجاد بارقه امید در ملت خود از شیوه‌هایی نوین سود جسته‌اند. این ویژگی را می‌توان از بارزترین ویژگی‌های شعر سماوی به شمار آورد. او روحیه امید و مبارزه را با اشعار خود در مردم تزریق می‌کند.

گذشته و میراث کهن یکی از مهم‌ترین ابزارهایی است که می‌تواند موجب بیداری مردم عراق گردد و شاعر آنان را نسبت به گذشته درخشان خود حساس و هشیار نموده است. وی با مقایسه اوضاع تاریک، مبهم و متزلزل کنونی عراق با تاریخ درخشان گذشته، تلاش می‌کند تا مردم را در مبارزه و نجات آن از وضعیت نابسامان فعلی، پایدارتر و مصمم‌تر کند و روحیه مقاومت را در جان و دل آنان زنده گرداند. (نظری، ۱۳۸۸ش: ص ۶)

«هل هذه بغداد؟»، عنوان قصیده‌ای است که این شاعر می‌کوشد تا با ذکر اشخاصی همچون «منصور» خلیفه عباسی و بنیانگذار شهر بغداد و «رشید»، مردم را به یاد تمدن دیرینه عراق و سابقه درخشان آن بیاندازد. و با ذکر نام «امام حسین» (ع) در ابیات خود، مردم را نسبت به فداکاری و کرامات اخلاقی و ایثار و مبارزه در مقابل ستم آن حضرت، آگاه سازد.

«هل هذه بغداد؟ كنت عرفتُها / تأبى مهادنة الدخيل العاق / ورتت عن المنصور صهوة عزمه / وعن الحسين مكارم الأخلاق / هل هذه بغداد؟ تأكلُ ثديها / فإذا بها وخونها بوقاق! / هذا عراقك يا رشيد كبا به / جور وعدوان و فأس شقاق» (السماوی، ۲۰۰۶م: ص ۱۶۶-۱۶۵)

(آیا این همان بغدادی است که از قبل می‌شناختم؟ / از سازش با بیگانگان فریبنده امتناع می‌ورزید

از «منصور» ارادهٔ سختش / و از «حسین» کرامات اخلاقی را به ارث برده است / آیا این همان بغداد است؟ که از سینهٔ خود می‌خورد / آن را چه شده است که با خائنانش سازگار گشته است / ای «رشید» این همان عراق تو است که / ستم و دشمنی و تبر نفاق بر آن وارد شده است).

شاعر پردرد و رنج، پس از پشت سر نهادن فراز و نشیبهای بسیار و بیان مقاصدش این بار سعی می‌کند چشم خویش را به روی دردها و غمهای جامعه ببندد و از زاویهٔ امید سخن گوید:

«لی یقیننَّ اَنْ «هرون» الحفید سوف یأتی فی غد غیر بعید
شاهراً سیفَ خلاصٍ مُسرجاً فی دیاجی حزناً قندیل عید»
(السماوی، ۲۰۰۳م: ص ۲۲)

« و لکنّی علی رغم الرزایا أُحدِّقُ فی غدٍ أهبی و أحملی
ستنهضُ أمةَ القرآنِ یوماً لتملأَ عالمی المجنون عدلاً»
(همان: ص ۱۱۵)

(من یقین دارم که هارون از سلالهٔ (هارون الرشید) در فردایی نه خیلی دور خواهد آمد در حالی که شمشیر رهایی‌اش را برکشیده است در شبهای تاریک ما فانوسهای عید را روشن خواهد کرد. ولی من علی‌رغم مصائب به فردایی روشن و شیرین خیره می‌شوم روزی فرا خواهد رسید که امت قرآن برخورد خواهد خواست و دنیای دیوانه را با عدالت پر خواهد ساخت).

شاعر بیان می‌دارد آن سان که هارون آمد و به حکومت آشفته اعراب سر و سامان بخشید از سلاله او نیز کسی در فردایی نه خیلی دور خواهد آمد و شمشیر خود را بر روی این جماعت متجاوز خواهد گشود و در شبهای غم‌آلود ما رنگی از عید و سرور خواهد زد و ما علی‌رغم تمامی سختی‌هایی که به واسطه تجاوز غاصبگران کشیده‌ایم به فرداهایی درخشان چشم دوخته‌ایم. روزی خواهد آمد که امت قرآن برخیزد تا این دنیای پر از بی‌عدالتی را از عدل پر نماید. اینها مقدماتی هستند برای بیات مطلب در قالبی جاودانه هستند تا در جان مخاطب رخنه کند. شیوهٔ او سهولت آمیخته با فصاحت است که در عین حال از موسیقی زنده ای نیز برخوردار است، شیوهٔ او برخوردار از فخامت قرآن است که در لابه‌لای کلامش نفوذ یافته است آن سان که در ادامه چنین می‌سراید:

«و لنا من النخل / شرف الموت و قوفاً دون انحناء / فخذوا بنصحی / عیونکم لا تقوی / علی
عواصف صحارانا / أفیالکم الفولاذیه / لن تتحمّلُ «سجّیل أبابیلنا». (السماوی، ۲۰۰۹م: ص ۸۶)

(ما از نخلهایمان/ که استوار ایستاده‌اند شرف مرگ را به ارث برده‌ایم/ پس این نصیحت را از من بپذیرید/ چشمان شما هرگز تاب نمی‌آورد/ در برابر بادهای صحراهای ما/ فیلهای فولادی شما / هرگز نخواهد توانست سنگهای آببیل ما را تحمل نماید).

در ابیات فوق، شاعر از آیات سوره فیل: «الْم تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ / أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ / وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ / تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ (فیل/۱-۴) الهام گرفته است. اصحاب فیل نماد ظلم خارجی است که در طول قرن‌ها سراسر جهان را فرا گرفته است. پس اگر ابرهه نماد ظلم در آن دوران بوده، آمریکا همان ابرهه عصر است که بر پشت فیلهای فولادی (تانکها) ظاهر شده است.

شاعر در نهایت از رهگذر اشاره به سوره «فیل» کلامش را شکل‌تر ساخته و قصد دارد با ذکر نمونه‌هایی از سرانجام غاصبان و ظالمان تاریخ بارقه‌هایی از نور و امید را در دل هم میهنانش روشن نماید که این متجاوزان هرچند که پرزور و قدرتمند و صاحبان تجهیزات باشند در برابر ایمان و اعتقاد مردم ناتوان هستند.

سماوی برخلاف شاعران زاهد مسلکی که به صرف حب الله، اسماء و اوصاف او را در اشعارشان به صورت مکرر ذکر می‌کنند، در اشعارش با ذکر صفتهای خداوند در پی آن است که امید را مابین مردم جنگ زده عراق بازگرداند. او با ذکر اسماء خدا به نیروی مافوقی چنگ می‌زند که علی‌رغم همه تجهیزات دشمن می‌تواند آنها را از این اوضاع نجات دهد.

«کان غفا.. / لکنه إستیقظ بإسم ربّه / فی جنّه / زهورها تعیش ألف عام / لا تعرف الذبول / و الساکن فیها خالد / سبحان الذی لا یخلف الوعد / العظیم / الواهب» (السماوی، ۲۰۰۸م: ص ۱۵-۱۴).

(خوابیده بود/ ولی با نام پروردگارش برخاست/ در بهشتی که/ گل‌هایش هزار سال زندگی می‌کند/ و پژمرده نمی‌شود/ و ساکن در آن جاویدان است/ منزه است خداوندی که خلف وعده نمی‌کند/ خداوند عظیم الشان و بخشنده).

شاعر با الهام از آیه ۸۰ سوره بقره «فلن یخلف الله عهدہ» بیان می‌دارد که عراقی که خفته است با استعانت از نام خدا بر می‌خیزد، خدایی که اوصاف کثیرش در قرآن آمده و در وعده‌هایش خلفی نیست و با ذکر توصیفات او قلوب مردم خود را به نیروی مافوق مطمئن می‌سازد.

سماوی در لابه‌لای اشعارش برای امیدوار ساختن مردمش و تشویق آنها به پایداری، آینده روشنی را برای آنها ترسیم می‌کند. بر این نکته تأکید می‌کند که روزی فرا خواهد رسید که این مردمان غاصب به

سزای تجاوزهای خویش برسند. او با بیانی تلمیحی از آیات قرآن، سخن از مجازات و عذاب می‌گوید و برای عینی ساختن آن از آیاتی استفاده می‌کند که در آن الفاظی مثل مجازات و عقاب ذکر شده است. در حقیقت او به این طریق می‌خواهد دل مردم سرزمین خود را تسکین دهد با این مژده که اشغالگران روزی به سزای ظلم و ستمی که بر مردم بی‌گناه روا می‌دارند خواهند رسید و آن روز دور نیست. سماوی با بیان نمونه‌های عذابی که در قرآن آمده است - که همه دردناک و عذاب آور است - می‌خواهد به نوعی اشغالگران را نیز از ادامه کارهایشان ترسانیده و در دل آنان خوف بیاندازد:

«جَهَّزْ لَهُمْ يَا إِبْنَ الْعِرَاقِ جَهَنَّمَ أَرْضِيهَ... وَأَقِمْ لَهُمْ أَخْدُودَ/ قَدْ أَوْجَبَ اللَّهُ الْقَضَا... كَفَىٰ بِهِ حَكْمًا.. وَبِالْذَمِّ وَالْخِرَابِ شَهُودًا.» (السماوی، ۲۰۰۶: ۱۷)

(ای فرزند عراق برای آنها آتش زمینی آماده کن و برایشان اخدود برپا کن. / خداوند قصاص را واجب ساخته است که همین بسنده است و خونهای ریخته شده و خرابیها نیز به عنوان شاهد کافی است). شاعر با اشاره به آیه ۴ سوره البروج «قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ»، و با ذکر این که برایشان جهنمی بر روی زمین برپا کن و در این دنیا برایشان اخدود را مهیا ساز، آب سردی بر دل سوخته ملت عراق می‌ریزد و به آنها روحیه می‌بخشد تا در برابر حملات آنها مقاومت کنند و امیدوار باشند.

باز هم همان مفاهیم را به صورت جزئی‌تر و عمیق‌تر بیان داشته و با اشاره به آیه ۴۵ سوره مائده «وَكُتِبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ» در پی تشفی دادن بر دل مردم مصیبت زده عراق است:

« حَدَّاعِينًا بَعِينًا.. وَالْقَضَا / أَعَزَّ لِلشَّكَاكِيِّ... وَ أُجْدِي » (همان: ص ۹۰)

(قصاص مجازات آنان برابر جرمشان است چشم در برابر چشم، در حالی که قصاص برای شاکی عزیز و سودمند است).

۳-۷: ترسیم آینده

سماوی شاعری است که از طریق استفاده از اسلوب، مفاهیم و داستانهای قرآنی در پی آن است که مقاصدش را بیان نماید. او می‌خواهد بعد از آن همه امیدی که به مردم می‌دهد، آینده را به تصویر درآورد تا پاداش آن همه همت و مبارزه را برای مردم سرزمینش متبلور سازد. او در این راستا به فراخور کارآیی کلمات و مقصودش از شیوه‌های متنوعی یاری می‌جوید که از جمله آنها استعانت از داستانهای قرآنی است. از آنجا که برخی شخصیت‌های داستانهای قرآن شباهت بسیاری با شخصیت‌های متجاوزان دارد سعی

کرده است بیشترین بهره را از آن ببرد.

یکی از این داستانها، داستان بت‌شکنی حضرت ابراهیم است که مضمون آن را در اشعار سماوی بسیار می‌توان دید. در واقع ابراهیم خلیل (ع)، در شعر او نماد مردانی است که در جوامع آلوده به شرک و جمود، با عمل و سخنان روشنگرانه خود، به جای تبر بر کاخ خدایان متحجر لرزه می‌افکنند:

«هزمتُ هولاکو/ و دحرجتُ رؤوس سارقی/ قوت جیاع الوطن المحکوم/ بالاعدام/ أسرجتُ قندیلا/
 یضیءُ کلُّ ما فی الكون من ظلام/ حطمتُ/ ما فی المعبد الأبیض/ من الأصنام» (السماوی، ۲۰۰۸م: ص ۲۰۲).
 (هولاکو را شکست دادم/ و غلتاندم سرهای سارقان/ قوت گرسنگان وطن را/ به سوی حکم اعدام/ و چراغی را روشن ساختم/ که تمام ظلمات هستی را روشن می‌سازد/ و بت‌های کاخ سفید را نابود کردم).
 سماوی برای تجسم بخشیدن به کلامش از اسلوبهای بلاغی کمک می‌گیرد هرچند در این رویکرد به آرایه‌های لفظی نمی‌اندیشد بلکه در پی آن است که زیبایی کلام خویش را در معانی بلند قرآن جستجو کند. بنابراین از اسلوب تشبیه برای تقریب ذهن خواننده خویش استفاده می‌کند. کاری که او و همفکرانش همراه و همسو با عامه مردم در پی انجام آن می‌باشند، همانند کاری است که حضرت ابراهیم در برابر بت‌های آن زمان انجام داد و از اطاعت آنها سرباز زد. این سر باز زدن برای آینده تابعان دین حنیف، ترسیمی از یک زندگی خدامحور آزادمنشانه است که سماوی نیز می‌خواهد کاری مشابه آن انجام دهد.
 داستان بت‌شکنی حضرت ابراهیم (ع) در سوره «انبیاء» ذکر شده است که سماوی با تلمیحی به این داستان قرآنی در صدد تشویق به بیرون راندن اشغالگران و نجات مردم عراق از این اوضاع نابسامان است. چنین کاربردی از قرآن اوج درایت شاعر مردمی را می‌رساند که پایبند به وطن و اعتقادات خویش است هرچند که بنا به حضور بیگانگان سالها دور از عراق باشد.

۳-۸ به کار بردن روح حماسی و سازش‌ناپذیر

سماوی شاعری سازش‌ناپذیری است که پایداری تا آخرین لحظه را جزء اصول یک انقلابی می‌داند. برای چنین فرد سرکشی داشتن روحی حماسی لازم است. زمانی که در عشق وطن، حماسه می‌سراید کلامش پر حرارت و افروخته است. شاعر سعی می‌کند تا با بیان کلمات در قالبی حماسی و اشاره به حماسه‌های تاریخی که در ذهن عامه مردم حک شده است، متجاوزگران را به چالش بکشاند. در همین راستا از شهادت طلبی امام حسین یاد می‌کند و از مردم می‌خواهد همچون امام حسین از پذیرش خفت و

خواری سرباز زند و در پی بزرگی و عزت باشند، آن گونه که نخل پربلاط و سر فراز است. او می خواهد با تداعی نخل شکوه قیام امام حسین (ع) را یادآور شود:

«حاشاک تنثرُ للغزاة و رودا فلقد خلقتُ کما النخیل عنیدا
لازال فیک من «الحسین» بقیةً تأبی الخنوع و إن تُباح وریدا»
(السماوی، ۲۰۰۶م:ص ۱۲)

(بپرهیز از این که بر روی متجاوزگران گل بیفشانی زیرا تو همچون نخلها سربلند و سرکش آفریده شده‌ای و تازمانی که در تو آثاری از حسین (ع) باشد، از خفت و ذلت ابا می کنی هر چند کشتنت مباح شود). شاعر با کلمه «بقیه» در پی آن است که شنونده با تداعی این کلمه با جستاری در خویش به بازنگری در رفتار خود بپردازد و هر گونه سازش و تسلیم را نفی کند.

در ابیات زیر سماوی موجی از معنا را به دلیل اقتباس از قرآن در اشعار خویش جاری ساخته است:

« قد کان عاد إلی الدیار..فراعه أن قد رأی حقل المنی مستنقعا
فأتاک یلتمس الملاذ لروحه أو لیس للانسان إلا ما سعی»
(سماوی، ۲۰۰۸م:ص ۱۴۶-۱۴۵)

(به سرزمین خویش باز گشته بود و می ترسید ببیند دشت آرزوها به باتلاقی مبدل گشته است / پس آمد در حالی که برای روح خود پناهگاهی می جست آیا نیست برای انسان چیزی جز آنچه که سعی نموده است).

سماوی با ذکر آیه ۳۹ سوره النجم «أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» می خواهد مردم مصیبت زده عراق را به نبردی سهمگین دعوت نماید. در همین راستا است که اعلام می دارد مردمی که در سرزمین اشغال شده عراق به دنبال خانمان خویش هستند نهراسند و تسلیم متجاوزان نشوند، زیرا خداوند سرنوشت قومی را تغییر نمی دهد مگر این که خود آن قوم بخواهند و تلاش کنند و در همین راستا از آیه قرآن یاری می جوید و از آنان می خواهد از سرزمینی که به ویرانی کشیده شده نترسند و امیدوار به لطف خدا باشند چون انسانها تنها به میزان سعی و تلاش خویش چیزی را به دست می آورند.

سماوی همچنین از آیه ۹۵ سوره نساء «فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَيَّ...» برای تحریض مردم به مقاومت در برابر اشغالگران استفاده می کند تا مردم با تمسک به قرآن برای اخراج اشغالگران متحد شده و جهاد نمایند:

«كان يشد الليلَ بالنهَار / مهاجراً من دونما أنصار / يحملُ في فؤاده اللهُ / وفي مقلته السنبِل والأزهار /
 يبشُرُ التَّنُورُ بالدخان / والصحراءُ بالعشبِ وبالأمطار / والطفلُ بالدميةِ والظلمةُ بالأنوار / لكنمَّا الاغراب /
 باغته في المحراب / يقرأُ في الكتاب: / فضَّل اللهُ المجاهدين.» (سماوی، ۲۰۰۶م:ص ۱۳۳)

(شب را به روز گره می زد / مهاجری بدون یاور(انصار) / در قلبش، خداوند را / و در چشمانش،
 سنبل و گلها را حمل می کرد / تنور را به دود بشارت می داد/ و صحرا را به گیاه و باران/ و کودک را
 به عروسک و تاریکی را به نور / اما بیگانگان در محراب به او تجاوز نموده بودند / در کتاب(قرآن
 می خواند: / خداوند مجاهدان را پیروز می گرداند.)

سماوی ضمن اینکه اشغال گران عراق را دشمن خدا می داند، هموطنان خود را به مقابله با آنان و دفاع
 از خاک، اموال و حفظ آبروی زنان عفیف عراقی، فرا می خواند. او مردم را راهنمایی می کند که جای
 خالی اسلحه و تانک، توپ و تفنگ را با سلاح تیز زبان و شعارهای کوبنده و بازدارنده و داد و فریادهای
 پی درپی، پر کنند و دشمن قاتل و اشغالگر را از بوستان وطن، وادار به گریز نمایند و سرزمین خود را از او
 باز ستانند. گویی شاعر مرض جدید عرب را تشخیص می دهد و در همان زمان با تمسک به آیات قرآن،
 آنها را به راه صحیح فرا می خواند:

«أعدوا لعدوكم - عدو الله - ما يرهبه / وما استطعتم من خيول الخُطَبِ العِصماء / من قُوَّةِ اللسان /
 والبيان / ذودوا عن الترابِ والمال / وعن عَرْضِ المحصناتِ بالأشعار / حتى يفرَّ القاتلُ المحتلُّ من بستاننا
 / وتُستعاد الدار /» (همان: ص ۱۰۳-۱۰۴)

(خود را به هر آنچه که دشمنتان را- که همان دشمن خداست- وحشت زده می سازد، مجهز سازید / و
 آنچه را که از اسبان با ارزش در اختیار دارید / با قدرت زبان / و سحر بیان / از این خاک و مال / و آبروی
 زنان عفیف با شعر دفاع کنید / تا اینکه قاتل اشغالگر از بستانمان بگریزد / و این خانه باز ستانده شود.)
 شاعر در ابیات فوق با اشاره به آیه ۶۰ سوره انفال «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ
 تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» زبان گویا، فریا، شعار و خطبه های آتشین را در نبود مهمات جنگی
 از مصادیق «ما استطعتم»، معرفی می- کند و به نوعی شعراء و خطباء را نیز در شرکت کردن در این مبارزه
 فرا می خواند تا از زبان و شعر و ادبیات خود در راه مقاومت استفاده کنند.

۳-۹ ابراز انزجار از اشغالگران و نقد آنها

گسترش و پیچیدگی روزافزون پدیده استعمار از یکسو و لزوم افزایش آگاهی توده‌ها در جهت مبارزه با آن از سوی دیگر از جمله مسایل بسیار مهمی است که اذهان شاعران نوگرا را به خود مشغول داشته است. سماوی از جمله کسانی است که برای بیان انزجارش از هر حکومت یا تفکری تسامح به خرج نمی‌دهد و صراحتاً و بی‌باکانه آنها را مخاطب سخن خود قرار می‌دهد و با ذکر مشابهاتشان از طریق داستانهای قرآنی انزجار خود را اعلان می‌نماید:

«أوشک أن أومن / أن الله / يُحِبُّ العبدَ علی قدر کراهته / لِآلهه» «البيت الأسود» / فی واشطن»
(السماوی، ۲۰۰۹م: ص ۷۹).

(نزدیک است که ایمان بیاورد/ این که خداوند/ بندگانش را به میزان بی‌زاری آنها از/خدایان کاخ سیاه در واشنگتن دوست دارد).

بندگانی که بت‌های زمان را کنار می‌نهند، جزو بندگان متقین زمان خویشند که شاعر این مفهوم را در این ابیات از آیه ۷ سوره توبه «إِنَّ الله يُحِبُّ المتقین» اقتباس کرده و متناسب با مقصود خود دلالتی جدید به آن افزوده است، به این صورت که خدا بندگانش را بر حسب میزان نفرتشان از سران کاخ سفید دوست می‌دارد. شاعر با ذکر کاخ سیاه به جای سفید خواسته ظلمانی بودن آنها را به نامشروع و غیر الهی بودنشان پیوند زند.

سماوی با ذکر صریح آیه‌های قرآنی یا با تلمیح در پی آن است که از خلال ذکر یا اشاره گذرا به قرآن، اشغالگرانی را که خاک عراق را تصاحب کرده و مردمان بی‌گناه آن سامان را به خاک و خون کشانده‌اند و سرزمین حاصلخیز عراق را به ویرانه تبدیل کرده‌اند، به چالش بکشاند:

«لا ماء فی النهر / ولا أمان فی الدار.. / والبستان / جریمه المثله بالأوطان / لیست أقل فی کتاب الله / من جریمه المثله بالانسان / لثمود أُختُ أشرکت یوماً.. / وایعت الضلال / دیناً / فأوحل فی الینابیع الزلال.»
(السماوی، ۲۰۰۶م: ص ۹۹-۱۰۰).

(هیچ آبی در نهر نیست/ او هیچ امنیتی در خانه و بستان نیست/ جرم مثله کردن وطن/ در کتاب خداوند/ کمتر از جرم مثله کردن انسان نیست/ برای ثمود خواهری است که روزگاری است با او شریک گشته و گمراهی را به جای دین انتخاب کرده است/ و در میان چشمه‌های زلال در گِل فرو رفته است).

با توجه به این نکته که داستان قوم ثمود بارها در قرآن ذکر شده است، شاعر نیز با ذکر ثمود در این ابیات اشغالگران را با ثمود برابر می‌شمارد و آنها را مورد هجمه انتقادهای تندش می‌سازد، و جرم غضب سرزمین را برابر مثله کردن انسان می‌داند و آن گونه که قوم ثمود آن ناقه را مثله کردند و سرانجام به سزای جرم خویش رسیدند، سرنوشت اشغالگران نیز مختوم به سرنوشت آن قوم می‌داند.

نتیجه‌گیری

۱. تأثیرپذیری از فرهنگ غالب جامعه امری بدیهی است، از این رو هر ادیب مسلمان کم و بیش، خودآگاه و ناخودآگاه از میراث فرهنگی اسلامی که خود بر شالوده قرآن بنا شده، به نحوی بهره برده است. بنابراین، مقاله حاضر بر این حقیقت که یکی از مصادر الهام شعرای عرب در خلق آثار ادبی، آیات ناب قرآن کریم و آموزه‌های پر مغز آن است، صحنه می‌گذارد. زیرا امروزه به کارگیری ادیبانه قرآن و استفاده از آن در متون ادبی چهره‌ای دیگر به خود گرفته است و این امر بدون شک متأثر از پدیده‌ای نو در کشورهای اسلامی و در بین مسلمانان است و آن آماج قرار گرفتن مبانی عقیدتی و فرهنگی آنان از سوی استکبار و صهیونیسم در دهه‌های اخیر می‌باشد که با اشغال ظالمانه سرزمین مقدس فلسطین نمود بیشتر یافته است.

۲. سماوی به جای به کار بردن اسطوره و پناه بردن به کهن‌الگوها به مضامین و مفاهیم قرآنی و اسلامی چنگ می‌زند و همین توجه او به قرآن سبب وضوح و تحکیم ساختمان شعری و روانی معانی او گشته است. او برای بیان انزجار خویش از اشغالگران، و دعوت مردم به مقاومت و امید دادن به آنها برای ایجاد فرج در کشورشان به قرآن، میراث دینی پناه می‌برد تا بتواند مضامین مورد نظر خود را به آسانی در ذهن مخاطب جای دهد. او در اشعارش از اعلام صدر اسلام نیز سخن به میان می‌آورد. چرا که آنها نمونه‌های ثبت شده در تاریخ هستند که روزگاری برای سرافرازی مسلمانان تلاش کرده‌اند. بازتاب قرآن در اشعار سماوی گاهی جنبه زیباییهای فنی به خود می‌گیرد تا از طریق وجوه بلاغی و فنی بتواند عمق فاجعه‌ای که به واسطه حضور بیگانگان در عراق پدیدار شده است را بیان نماید. در نهایت او با به کار بستن قوت و وضوحی که در شعر اسلامی هست به شعر خویش قوت بخشیده و با الهام از آیه‌های قرآنی به راحتی از عهده بیان مقاصد خویش برآمده است.

۳. با تأمل در اشعار سماوی، شاعر ادبیات مقاومت و استخراج آن دسته از اشعار او که به نحوی در برگیرنده مفاهیم دینی و قرآنی است، روشن می‌شود که آیات سراسر نور قرآن در آثار این ادیب تجلی واضحی داشته و با توجه به شرایط حاکم، یاری‌رسان ایشان در ابلاغ هدف مورد نظر به مخاطبین و وسیله‌ای مؤثر جهت تثبیت اصالت فرهنگی مردم عراق و نیز ابزاری در جهت استعمارستیزی است.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. آربین پور، یحیی (۱۳۷۵ش)، *از صبا تا نیما*، انتشارات زوار، چاپ ششم، تهران.
۳. آشوری، داریوش (۱۳۵۸ش)، *فرهنگ سیاسی*، نشر مروارید، چاپ سیزدهم، تهران.
۴. ارنائو و طوط، عبد اللطیف (۲۰۰۷م)، *الأفق نافذتی «لمحات من الشعر الوطني»*. <http://www.arabs48.com>.
۵. اسدی پور، بیژن؛ صلاحی، عمران (۱۳۶۵ش)، *طنز آوران امروز ایران*، مروارید، چاپ سوم، تهران.
۶. بلاوی، رسول (۱۳۸۹ش)، *«ابداعات یحیی السماوی فی توظیف النصوص الموروثة»*. www.ballawy.blogfa.com.
۷. السماوی، یحیی (۲۰۰۹م)، *شاهده قبر من رخام الكلمات، دارالتكوين، الطبعة الأولى، دمشق*.
۸. _____، (۲۰۰۸م)، *البكاء على كتف الوطن، دارالتكوين، الطبعة الأولى، دمشق*.
۹. _____، (۲۰۰۶م)، *تقوش على جذع نخله، الطبعة الأولى، استراليا*.
۱۰. _____، (۱۹۹۷م)، *هذه خيمتي فاين الوطن، الطبعة الأولى، استراليا*.
۱۱. _____، (۲۰۰۳م)، *زنايق برية (رباعيات)*، الطبعة الأولى، استراليا.
۱۲. _____، (بی تا)، *یا دولة الفهود، الرابط على شبكة المعلوماتية العالمية*. <http://alnoor.se/article.asp>.
۱۳. شراد، شلتناغ عبود (۱۹۸۷م)، *أثر القرآن في الشعر العربي الحديث*، دارالمعرفه، الطبعة الأولى، دمشق.
۱۴. عبدالسلام، احمد (۲۰۰۷م)، www.qamat.org.
۱۵. العراقي، فائز (۱۹۹۸م)، *شعر الانتفاضة في البعدين الفكري والفني*، منشورات اتحاد كتاب العرب، دمشق.
۱۶. فعالی، محمد تقی (۱۳۸۰ش)، *تجربه دینی و مکاشفه عرفانی*، نشر دانش و اندیشه معاصر، تهران.
۱۷. فوستر، هنری (۱۹۳۸م)، *نشأة العراق الحديث*، ترجمة عبدالمسیح جویده، مطبعة الشعب، بغداد.
۱۸. قدورة، زاهیه (۱۹۸۵م)، *تاریخ الأدب الحديث، دار النهضة العربية، بیروت*.
۱۹. محمدی، حسین (۱۳۸۱ش)، *پژوهشی درباره طنز در شریعت و اخلاق*، بوستان کتاب، قم.
۲۰. مجموعه نویسندگان (۲۰۰۲م)، *معجم البابطين للشعراء العرب المعاصرين*، مؤسسة جائزة عبدالعزيز سعود البابطين للإبداع الشعري، الطبعة الثانية، کویت.
۲۱. موثقی، سید احمد (۱۳۷۴ش)، *جنبشهای اسلامی معاصر*، سمت، چاپ اول، تهران.
۲۲. نظری، علی؛ عزیزی، نعمت (۱۳۸۸ش)، *«بازتاب مقاومت در شعر یحیی السماوی»*، مجموعه مقالات همایش ادبیات مقاومت لبنان، دانشگاه گیلان، رشت.